

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

علی ناظر

۲۸ جنوری ۲۰۲۵



علی ناظر

## گرامیداشت خاطره قربانیان هولوکاست

در گزارشات آمده که «شماری از مقام‌های بین‌المللی از جمله جاستین ترودو، نخست وزیر کانادا، روز یکشنبه وارد پولند شدند و مقام‌های دیگر از جمله چارلز سوم پادشاه بریتانیا و رهبران بریتانیا، فرانسه و المان قرار است دوشنبه رهسپار پولند شوند.»

این گردهمایی به مناسبت هشتادمین سالگرد آزادسازی اردوگاه آشویتس، که توسط ارتش روسیه آزاد شد، انجام می‌گیرد؛ اما پولند امسال از روسیه به دلیل تهاجم نظامی این کشور علیه اوکراین دعوت نکرده است.

روسیه که در جنگ جهانی دوم بیش از بسیاری از شرکت کنندگان در آن جنگ قربانی داده، دعوت نمی‌شود، چون ترمپ و پوتین هنوز بر سر تقسیم اوکراین به نتیجه نرسیده‌اند، اما از ارسال کنندگان بمب‌های سنگرشکن، ۲۰۰۰ کیلویی و... که هولوکاست قرن ۲۱م را در غزه رقم زدند دعوت می‌شود، و برای سفیدشویی جنایات اسرائیل و ناتو، ترمپ به مصر و اردن دستور تشکیلاتی می‌دهد که آوارگان بازمانده از هولوکاست غزه را در کشورشان سکنا دهند، تا اسرائیل و هم‌جرمانش بتوانند با بولدزر اجساد دفن شده زیر آوار و ویرانی‌ها را بدور از انظار عمومی از غزه به بیرون منتقل کنند تا اثری از جنایات اسرائیل و جهان غرب برجای نماند، و پس از پاکسازی، در غیبت فلسطیان رانده شده از وطن، شهرکسازی آغاز شده و غزه به خطه اشغال شده الحاق شود.

بارها پرسیده می‌شود که دلیل موجودیت «تروریسم»، حماس و حزب الله و انصارالله و... چیست، و چگونه جمهوری اسلامی که نمادی از ارتجاع است می‌تواند در فلسطین و کشورهای عربی/افریقای برای خودش جای پای درست کند؟ پاسخ ساده است: بی‌عدالتی، عدم توجه به حداقل حقوق انسانی، غارت، چپاول، تجاوز، کشتار، اشغال سرزمین مادری، و... و... گرامی نداشتن خاطره قربانیان هولوکاست در غزه.

گوئی قاتلان گوش نمی‌دهند چگونه آوارگان غزه در بازگشت به وطن ویران شده، فریاد می‌زنند «چشم به جمالت روشن شد، ای وطن» و با لبان ترک خورده و حنجره‌ای خشک یکصدا می‌خوانند:

دوباره می‌سازمت وطن!  
اگر چه با خشت جان خویش  
ستون به سقف تو می‌زنم،  
اگر چه با استخوان خویش  
دوباره می‌بویم از تو گل،  
به میل نسل جوان تو  
دوباره می‌شویم از تو خون،  
به سیل اشک روان خویش  
دوباره ، یک روز آشنا،  
سیاهی از خانه می‌رود  
به شعر خود رنگ می‌زنم،  
ز آبی آسمان خویش  
اگر چه صد ساله مرده ام،  
به گور خود خواهم ایستاد  
که بردرم قلب اهرمن،  
ز نعره آنچنان خویش  
کسی که «عظم رمیم» را  
دوباره انشا کند به لطف  
چو کوه می‌بخشدم شکوه ،  
به عرصه امتحان خویش  
اگر چه پیرم ولی هنوز،  
مجال تعلیم اگر بود،  
جوانی آغاز می‌کنم  
کنار نوباوگان خویش  
حدیث حب الوطن ز شوق  
بدان روش ساز می‌کنم  
که جان شود هر کلام دل،  
چو برگشایم دهان خویش  
هنوز در سینه آتشی،  
به جاست کز تاب شعله اش  
گمان ندارم به کاهشی،  
ز گرمی دمان خویش  
دوباره می‌بخشی ام توان،  
اگر چه شعرم به خون نشست

دوباره می سازمت به جان،

اگر چه بیش از توان خویش

(سیمین بهبهانی)

\*\*\*\*

علی ناظر جنوری ۲۷، ۲۰۲۵ ۷:۳۶ ب.ظ